



۲۰۲۰/۰۸/۱۰



انجنیر عبدالصبور صافی

## لویه جرگه مشورتی عظمت داکتر غنی را به نمایش گذاشت

صلح نیاز اصلی، واقعی و شرط بقاء کشور است. مردم با صبر و حوصله مند افغانستان در حدود نیم قرن جنگ تحمیلی به قیمت خون فرزندان و تباهی کشور شان ثابت کردند که بردبارترین مردم در جهان اند، آنها در عین بردباری تشنه به صلح و در آرزوی این سراب، خون دل خورده و میخورند ولی هرگز از تلاش رسیدن به صلح دستبردار نشده و باحوصله مندی این روند را تعقیب کرده اند، صلح واقعی به يك مکانیزم مستحکم نیاز داشت که در حال و احوال کنونی همین دولت موجود نقش اساسی مکانیزم تحقق صلح را مهیا ساخت. تشکیل لوی جرگه مشورتی که بسیاری ها آنرا توطئه علیه صلح و تداوم در قدرت ماندن داکتر غنی قلمداد میکردند امروز عظمت و قدرت رهبری خردمندانۀ داکتر غنی را به نمایش گذاشت، این داکتر غنی بود پروژه صلح را که در زمان زمامداری آقای حامد کرزی بنیان گذاشته شده بود ولی متأسفانه آنزمان توان فرق بین یک فرد دکاندار و عضو شورای کویته را کرده نمیتوانست به میلیون ها دالر پول ملت در شورای صلح بنام صلح حیف و میل شده به باد فنا رفت، ولی این داکتر غنی بود که این پروژه شکسته و گسسته را به یک پروسه و اکنون به یک واقعیت دارد تبدیل میکند، داکتر غنی توانست که طالبان را از بلند پروازی های شان فرونشاند که امروز حاضر شوند با رهایی زندانیان شان با دولت داخل مذاکره شوند، این امر به خودی خود محقق نشده است بلکه خرد و رهبری؛ لازم داشت. داکتر غنی با جمع آوری تمام افکار و ذهنیت های رقیب، متضاد، علیه خود و لویه جرگه را آماده ساخته اقتناع را در میان رقیبان مخالف خود به وجود آورد جامعه جهانی را به حمایت خواستهای خود کشانید تا از لویه جرگه مشورتی حمایت کنند و ثابت کرد که ممثل اراده جمعی اشتراک کننده گان موافق و مخالف اش است. دیگر مخالفان توان دور ماندن از این روند آغاز شده را نداشتند ناگزیر قدم رنجه کرده و به تالار جرگه تشریف فرما شدند با وجود که از دل شان خدا خبر داشت ولی ناگزیر بودند یا همگام شوند و یا سقوط کنند.

آمدن حامد کرزی به تالار لویه جرگه مشورتی به اساس مجبوری بود نه از مسؤلیت در برابر صلح و ملت، وی که خواب های رهبری حکومت مؤقت را در ذهن می پروراند بیصبرانه تلاش دارد قرار گفته حضرت زاخیلوال که تمام خواسته های طالبان بدون در نظر داشت قوانین کشور چشم بسته پذیرفته شود، البته کاریکه پذیرش آن برای داکتر غنی منحصیث یک شخص مسؤل دشوار است، گرچه حضرت زاخیلوال با میرویس ستانکزی ژورنالیست ورزیده تلویزیون شمشاد امروز مورخ ۹ اگست گفت که وی و حامد کرزی متن قطعنامه جرگه مشورتی را ناوقت های شب بدست آوردن، فرستادن متن قطعنامه برای حامد کرزی همه راه های فرار از جرگه را بروی وی بست و وی ناگزیر شد به تالار بیاید، چون دید که چانس اش را در روند آغازین گفتگوی صلح از دست میدهد، بنا ناگزیر شد که به تالار تشریف آورند، آمدن کرزی در لویه جرگه مشورتی از طرف یکعده حاضرین استقبال گرم شد، حاضرین جرگه زمانی که آقای کرزی را در تالار لویه جرگه دیدند مطمئن شدند که آقای کرزی دست از توطئه علیه نظام و جمهوریت برداشته و به روند صلح واقعی مردم افغانستان پیوسته است از وی استقبال کردند، بعضی ها این استقبال را جایگاهی کاریزماتیک آقای کرزی در عرصه سیاست افغانستان خواندند ولی این استقبال هرگز این مفهوم را ارایه نمی کند. شک نیست که یکعده هواخواهان وی هم بودند، ملت باید بداند که آوردن مجدد حامد کرزی در رأس حکومت مؤقت تکرار تراژدی ۱۴ سال زمامداری فاجعه بار وی خواهد بود که فقط یکعده محدود به شمول مافیا و جنگسالاران، دزدان و مفسدین خوشحال بوده و ثروت اندوزی کردند ملا و عامی و بیسواد به جنرالی و مارشالی رسیدند ولی ملت در فقر و بدبختی تفرقه قومی مذهبی و لسانی فرو رفت ملت باز همان آش و همان کاسه را نمی خواهد .

از طرف دیگر ظرفیت و توانمندی رهبری ملک در حالت بحرانی فعلی کار ساده نیست که آقای حامد کرزی صلاحیت و درایت آنرا داشته باشد تا ملک را از این باتلاق سالم و باعزت بیرون کشد، اگر بجای کرزی شخص مدبر دیگر در ابتدا ورود امریکا به افغانستان میبود آن سیل دالر هائیکه در زمان کرزی به افغانستان ریختانده شد حالا در افغانستان بیکاری و فقیر وجود نمی داشت.

پلان مارشال بعد از جنگ دوم جهانی آلمان را در هشت سال به قدرت اقتصادی در اروپا تبدیل کرد ولی کمک های ده برابر پلان مارشال و باد آورده، افغانستان را در ۱۴ سال زمامداری کرزی به قهقرا کشانید، فقط یکعده محدود صاحب آرگاه و بارگاه شدند و ملت با گرسنگی، بی مکتبی و بی سوادى دست و پنجه نرم میکند، اگر داکتر غنی به داد این ملت نمیرسید معلوم نیست که چه بلای بر سر این ملت می آمد!

اکنون که لویه جرگه مشورتی موانع سر راهی آغاز گفتگوهای میان دولت و طالبان را برداشت، رفتن به صلح واقعی و دفاع از حق حیات مردم که معروض به نابودی دوامدار است، باید در سرخط وظایف دولت قرار گیرد. مبارزه علیه فقر و فساد را به طور جدی در اولویت قرار دهد، اگر چه داکتر غنی در بیانیه اختتامیه لویه جرگه مشورتی مبارزه علیه فساد را از اقدامات جدی دولت خواند ولی این گفتار هرگز کافی نیست بلکه به عمل ممدود ضرورت دارد زیرا دولت زمانی میتواند در مذاکرات با طالبان با سر بلندی و حمایت همه جانبه ملت حرف بزند که ملت را از اسارت اربابان فساد که نقش و تداوم شان با جنگ گره خورده است رهایی دهد قانون را ملاک عمل خود قرار داده و عدالت اجتماعی را برقرار سازد.

اکنون که لویه جرگه مشورتی راه را باز کرد، ما روی مواد و موافقتنامه لویه جرگه حرف نمیزنیم بلکه حرف ما روی میکانیزم باید باشد که چه گونه میتوان این مذاکرات را به موفقیت رسانید، افغانستان تا به رسیدن به صلح راه دور و درازی در پیش دارد فکر نکنید که برداشتن موانع توسط لویه جرگه مشورتی کار به پایان رسیده است، ایکاش همینطور که امروز در لویه جرگه مشورتی که یک صدا و دفاع از موضع دولت به نمایش گذاشته شد همیشه این اتحاد و همدلی ادامه یابد و حفظ شود، تداوم جنگ تحمیلی و تلفات تا چند صد تن در یک شبانه روز، تراژدی فقر و بیکاری، بلیات و آفات طبیعی و شیوع ویروس همگیر کرونا، مردم مظلوم ما را تا نود فیصد در دایره خط فقر، فساد مفسدین قدرت طلب، بی عدالتی و بدامنی قرارداده که همه این مشکل را نمیتوان با دستگاه فاسد برداشت. لازم است میکانیزم روی دست گرفته شود که به اساس آن بتوان هم مذاکرات را مؤفقتانه به پیش برد و هم در داخل دستگاه علیه فساد و بی عدالتی مبارزه کرد.

بدون شک که طالبان به مذاکرات صلح لیبیک خواهند گفت و به مذاکره حاضر خواهند شد ولی پیشنهاد شان به دولت این خواهد بود که دولت بلا قید و شرط تسلیم طالبان گردد تا نظام بعدی را طالبان رقم زنند، البته که ایجاد حکومت مؤقت و همه شمول هم طرح دیگر طالبان خواهد بود ولی تشکیل هر نوع حکومت مؤقت فروپاشی نظام را در قبال خود دارد که بی چون و چرا انارشی و خود سری سراسر کشور را فراه خواهد گرفت، چیز یکه طالبان خواهان آن است. قدرت بدون چون و چرا به طالبان خواهد رسید و یکعده هم شاید در کنج و کنار چند روز مقاومت خواهند کرد که سرانجام یا کشته و یا هم تسلیم طالبان خواهند شد. بناً قضایا را ساده فکر نکنید!

## به امید صلح پایدار



مطالب بیشتر از این نویسنده، لطفاً اینجا کلیک کنید!